



در جلسات اخیر هیأت واگذاری درصد واگذاری‌ها به بخش خصوصی حدود ۴۰ درصد اعلام شده است. عده‌ای در همان جلسات اعتراض کرده‌اند که چرا تا امروز این رقم ۱۵ درصد اعلام می‌شود. یعنی خود این افراد از عده‌هایی مانند ۱۵ و ۲۰ درصد عبور کرده‌اند. ضمن اینکه عرصه مدیریت اجرایی، میدان زورآزمایی نیست بلکه موازنه و مرتبه دستگاه‌ها را قانون تعیین می‌کند. شما شک نکنید اگر سازمان خصوصی سازی جلوی خرید سهام توسط شرکت‌های وابسته به نهادهای عمومی غیردولتی را نگرفته، نه به دلیل ضعف اجرایی آن سازمان، بلکه برعکس به دلیل تکلیف قانونگذار بوده است.

● **بیشترین مقاومت در برابر واگذاری‌ها از سوی چه نهادهایی صورت می‌گرفت؟**

بیشترین همکاری را وزارت نیرو و بیشترین مقاومت را بدنه وزارت نفت داشت.

● **آن زمان که شما وزیر بودید رئیس کمیسیون اصل ۹۰ در گزارشی دلیل ناکامی خصوصی سازی در ایران و عدم نیل به اهداف تعریف شده آن را، نگاه درآمدی دولت به واگذاری‌ها دانسته بود. وی بر این باور بود که دلیل این که کشوری مانند آلمان در زمینه واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی موفق بوده این است که آنها با هدف احیای تولید، بهره‌وری و اشتغال، بنگاه‌ها را به بخش خصوصی واگذار می‌کردند ولی در ایران اصلاً اینگونه نیست و اهداف کاملاً متفاوت است.**

مگر بخش عمده‌ای از واگذاری‌ها برای رد دیون نبوده است؟ آیا رد دیون درآمدزایی است یا پوشش تعهدات و ایفای دین. این حرف‌ها، جملات رونقین و تکراری هستند که افراد مختلف در کتاب‌ها و مجلات و... به عنوان دلایل عدم موفقیت خصوصی سازی در برخی کشورها خوانده و دیده‌اند. این جملات آتقدر کلی و تکراری است که گاهی یک نماینده مجلس و دستگاه نظارتی فراموش می‌کند که در کجا صحبت می‌کند. به نظر شما واگذاری بابت رد دیون یا تخصیص به سهام عدالت جنبه درآمدی دارد؟ ضمن اینکه مگر در کشور ما اساساً بودجه و تراز بودجه بدون مصوبه مجلس ممکن است. مگر منابع حاصل از واگذاری‌ها جزء منابع عمومی نیستند. واقعیت این است که هر فردی چون مستقل است و مسئولیت ندارد، می‌تواند دیدگاه و تحلیل خود را داشته باشد و به دولت و مجلس انتقاد کند. اما وقتی شما در جایگاه

هیأت واگذاری نیز از چند وزیر به ریاست وزیر اقتصاد تشکیل شده است. طبق قانون، سازمان خصوصی سازی، در حوزه واگذاری‌ها جایگاه دبیری هیأت واگذاری را دارا است و اقدامات اجرایی و کارشناسی این واگذاری‌ها را انجام می‌دهد. خصوصی سازی بعد از اصل ۴۴ در زمان آقای کرد زنگنه و بعد از ایشان وارد فاز جدیدی شد و حجم واگذاری‌ها افزایش زیادی یافت. خیلی از این گزارش‌هایی که ارائه می‌شود، گزارشات ناقصی است.

● **در زمان مدیریتتان بر وزارت اقتصاد، گزارشی از سوی دیوان محاسبات مبنی بر تحقق ۳۶ درصدی اهداف اصل ۴۴ منتشر شد. نظراتن چیست؟**

این نوع درصد‌ها را درست نمی‌دانم.

● **کرد زنگنه در زمان وزارت شما معاون جناب عالی و رئیس سازمان خصوصی سازی بود. وی در جایی گفته بود: «زورم به شبه‌دولتی‌ها نمی‌رسد» یا در اظهارنظر دیگری**

و صندوق‌ها کمک می‌کنید، بلکه بار بدهی که از دولت‌های قبل برای شما به ارث رسیده را از روی دوش خود و دولت‌های آینده به عنوان قوه مجریه برمی‌دارید. به همین دلیل هم مطابق GFS، پرداخت بدهی‌ها یا رد دیون به‌عنوان تملک دارایی‌های مالی محسوب می‌شود. لذا می‌بینید که برعکس، این عمل با انگیزه درآمدی نیست، کما اینکه توزیع سهام عدالت نیز با انگیزه بازتوزیع ثروت بین طبقات متوسط و پایین درآمدمی، یعنی دهک اول تا ششم درآمدمی انجام شده است.

● **اغلب انتقادات از دولت احمدی‌نژاد در خصوص واگذاری‌ها، درباره شبه دولتی‌ها بوده است.**

سیاست‌های اصل ۴۴، ابلاغیه رهبر معظم انقلاب است. ستاد اجرایی نیز زیر نظر ایشان است، آیا ستاد اجرایی در واگذاری‌ها حضور داشته یا نه؟ اگر این واگذاری‌ها خلاف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بود، الحمدلله سایه مقامی که آن را ابلاغ کرده است بر سر ما مستدام است و ایشان حاضر هستند و در صورت تخلف تذکر می‌دادند.

به هر حال من هم اگر تجربه حدود پنج سال کار اجرایی در عرصه اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و از جمله واگذاری‌ها را نداشتم چه بسا می‌آمدم سرتا پای واگذاری‌های دولت یازدهم را زیر سؤال می‌بردم. کما اینکه گفتیم هم اکنون هم، رد دیون انجام می‌شود، آن هم به شکل غیرقانونی، در خصوص سهام عدالت، دولت یازدهم رسماً مدیریت این سهام را از یک نهاد خودانتظام غیردولتی یعنی اکنون سهام عدالت پس گرفت و به وزارتخانه‌ها سپرد. کما اینکه به خوبی از منابع حاصل از واگذاری‌ها در دولت قبل بهره‌مند است. چرا که ما سهام را به صورت قسطی واگذار می‌کردیم و اکنون اقساط واگذاری‌های قبلی، درآمد سرشاری را نصیب دولت یازدهم کرده است. در واقع اگر سال ۹۳ دولت حدود ۱۴ هزارمیلیارد تومان بابت واگذاری‌های مالی درآمد دارد، بیشتر آن به اقساط واگذاری‌های دولت قبل برمی‌گردد. جالب است بدانید که حدود ۵۰ درصد واگذاری‌ها بابت رد دیون در دولت یازدهم اتفاق افتاده است و دریافتی نقدی دولت یازدهم از محل واگذاری‌ها بیشتر از دولت‌های نهم و دهم است. خوب می‌دانید که در دولت یازدهم تقریباً واگذاری‌ها تعطیل شد، ولی اقساط واگذاری‌های دولت قبل نصیب این دولت شد و این اندوخته و ذخیره متناسبی است. یک نکته دیگر هم این است که در سیاست‌های کلی برنامه ششم بر استفاده از ظرفیت نهادهای عمومی غیردولتی در اقتصاد تأکید شده است.

به هر حال در ارزیابی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ شاهد یک دوگانگی هستیم. یعنی فلان نماینده مشهور و صاحب تریبون مجلس در دوره خودش حکم و جدول رد دیون را که البته در ابلاغیه اصل ۴۴ هم مینا دارد تصویب می‌کند، یا شخصاً به وزیر اقتصاد تلفن می‌زند که سهام را برای اجرای طرح‌های عمرانی در حوزه انتخابیه‌اش به شهرداری فلان شهر مقدس نزدیک تهران بدهد یا حتی به فرارگاه خاتم‌الانبیا به‌عنوان پیمانکار قطار شهری آن حوزه سهام بده، ولی در قامت یک سخنگو، از این کار گله می‌کند. شما بروید بررسی کنید که آیا جز این بوده است که حکم واگذاری‌های سرمایه‌ای کرده‌اید، کما اینکه اگر صرف پرداخت بدهی چند دهه دولت‌ها به سازمان تأمین اجتماعی و نظایر آن می‌کنید، نه تنها به استحکام مالی و بقای این نهادها



یکی از فشارهایی که ما در هیأت واگذاری و بنده به عنوان وزیر اقتصاد در دولت تحمل می‌کردم این بود که به طور مثال فلان وزیر که متولی فلان صندوق

بازنشستگی بود، می‌گفت: «حسینی، دولت تصویب کرده است این سهام را به ما بدهید. شما چرا اصرار دارید آن را عرضه عمومی کنید!؟» یادم هست بر اساس کارشناسی، قیمت پایه پتروشیمی را ۴۰۰ میلیارد تومان تخمین زده بودند، دولت هم می‌گفت:

«این پتروشیمی را بدون انجام مزایده به ما بدهید.» گفتیم من نمی‌توانم این کار را بکنم، شما هم اگر می‌خواهید می‌توانید مانند سایرین در عرضه عمومی شرکت کنید». در نهایت این پتروشیمی به صورت رقابتی عرضه و در فرابورس، ۸۰۰ میلیارد تومان فروخته شد.

البته تأکید کنم که حضور همین نهادهای عمومی غیردولتی نیز در جای خود سبب شد که اموال ملت مفت فروخته نشود

## ۵۰ درصد واگذاری‌های دولت یازدهم رد دیون بود



بش  
اگر سال ۹۳ دولت حدود ۱۴ هزارمیلیارد تومان بابت واگذاری دارایی‌های مالی درآمد دارد، بیشتر آن به اقساط واگذاری‌های دولت قبل برمی‌گردد. جالب است بدانید که حدود ۵۰ درصد واگذاری‌ها بابت رد دیون در دولت یازدهم اتفاق افتاده است و دریافتی نقدی دولت یازدهم از محل واگذاری‌ها بیشتر از دولت‌های نهم و دهم است. خوب می‌دانید که در دولت یازدهم تقریباً واگذاری‌ها تعطیل شد، ولی اقساط واگذاری‌های دولت قبل نصیب این دولت شد و این اندوخته و ذخیره متناسبی است. یک نکته دیگر هم این است که در سیاست‌های کلی برنامه ششم بر استفاده از ظرفیت نهادهای عمومی غیردولتی در اقتصاد تأکید شده است.

من منکر آن نیستم. ضمن اینکه بر این اساس باید بگویم قانون اساسی کشورمان هم پوپولیستی است، چون در آن بر تأمین مسکن مردم تأکید شده است. در دولت‌های نهم و دهم هر زمانی که ما می‌خواستیم تصمیم اقتصادی بگیریم یکی از معیارهای ما این بود که این تصمیم بر زندگی مردم چه اثری می‌گذارد، یعنی به این سمت بود. لذا شما می‌بینید برنامه کاملاً شفافی مانند هدفمندی یارانه‌ها برای مردم توضیح داده و به راحتی اجرا می‌شود. آیا شفافیت داشتن به معنای عملکرد پوپولیستی است؟ در کنار اصلاح هدفمندکردن یارانه‌ها، حتی قبل از آن قانون مالیات بر ارزش افزوده اجرا شد. بحث‌های آن را هم که می‌دانید. آیا اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده که در بیش از یکصد و پنجاه کشور اجرا شده بود و در ایران روی زمین مانده بود، یک طرح پوپولیستی است. جالب است عده‌ای از منتقدان هدفمندی یارانه‌ها که آن را پوپولیستی می‌دانستند، تلویحی و صریح چوب لای چرخ اجرای قانون مالیات با ارزش افزوده می‌گذاشتند، حتی پشت پرده به دنبال تحریک افکار عمومی برای مقابله با این طرح بودند.

این عده حتی سهام عدالت را نیز پوپولیستی می‌نامند. صورت مسأله خیلی روشن است. ما اگر قرار شده واگذاری انجام دهیم باید بخشی از این ثروت به طبقات متوسط جامعه یعنی شش دهک پایین درآمدمی جامعه بازتوزیع شود و این کار هم صورت گرفت. حالا سؤال این است که آیا توجه دولت به بهبود درآمد ناشی از ثروت در کنار درآمد ناشی از کار یک اقدام پوپولیستی است؟ به نظر می‌رسد عده‌ای هر حرکتی را که در جهت منافع عامه جامعه باشد پوپولیستی می‌دانند. اما اگر این منابع صرف گروه‌های خاص شود آن را پوپولیستی نمی‌دانند. لذا طرح پوپولیسم از سوی منتقدان، به نظر من واکنشی است به برنامه‌هایی که افزایش استاندارد زندگی عامه مردم را مخاطب قرار داده است. من فکر می‌کنم مهمترین و صریح‌ترین وظیفه‌ای که دولت‌ها دارند حفظ منافع عمومی است. ضمن اینکه این طرح‌های پوپولیستی کدامشان کنار گذاشته شدند؟ اگر هدفمندی طرح بدی بود چرا توسط دولت یازدهم کنار گذاشته نشد؟ بالاخره در آستانه انتخابات ۹۲ ما دیدیم که عده‌ای آمدند و از اصلاح این طرح سخن گفتند که مثلاً به جای پرداخت نقدی می‌خواهیم کالا به مردم بدهیم. سه سال گذشته، در عمل چه شد؟ لذا برداشت کلی من این است که در واقع صفت پوپولیستی بودن به دولتی که هدفمندی یارانه‌ها را اجرا کرده و می‌خواهد از یک غفلت عمومی نسبت به ارزش منابع جلوگیری بکند، کاملاً یک شوگرد سیاسی است و به طور کلی اختصاص واژه پوپولیست به برنامه‌های دولت‌های نهم و دهم، برخورد سیاسی با برنامه‌های دولت بود. ضمن اینکه همواره این گروه‌های سیاسی با این تناقض مواجه بودند که بالاترین رشدهای علمی در حوزه‌های دانش و فناوری پیشرفته همچون نانو و بیوتکنولوژی، هوافضا و هسته‌ای، در دولت‌های نهم و دهم رقم خورده است.

● **یکی از انتقاداتی که چه در دوران ریاست‌جمهوری و چه در سال‌های بعد از آن، احمدی‌نژاد با آن مواجه بود، پوپولیستی دانستن رفتارهای وی از سوی منتقدانش است. می‌خواستیم بدانم تعریف شما از واژه پوپولیسم چه بوده و اصلاً مصادیق و ویژگی‌های پوپولیسم چیست؟**

ضمن اینکه آیا اصولاً احمدی‌نژاد را فردی پوپولیست می‌دانید؟ موضوع پوپولیسم به لحاظ اقتصاد سیاسی بحث گسترده‌ای است. به طور مثال اگر امروز بررسی کنیم می‌بینیم عده‌ای به خاطر اینکه خودشان را روشنفکر معرفی کرده یا از برخی از اتهامات مانند لیبرال بودن فرار کرده و خودشان را تریبه کنند، در مقابل لیبرالیسم و کاپیتالیسم از لفظ پوپولیسم استفاده می‌کنند و آن را نقطه مقابل خود قرار می‌دهند. اگرچه ما در ادبیات توسعه تحت عنوان توسعه مردم‌گرا چنین اصطلاحاتی یعنی پوپولیسم، با بار مثبت داریم، اما بیشتر کسانی که به دنبال بار منفی از این واژه هستند سعی دارند پوپولیسم را به معنی عوام‌فریبی معرفی کنند. باید دید اگر به شخص یا دولتی نسبت عوام‌فریبی می‌دهند این موضوع در چه اساسی مطرح می‌شود؟ برای مثال این افراد هدفمند کردن یارانه‌ها را حرکتی پوپولیستی و عوام‌فریبانه دانستند. حال سؤال این است اگر اجرای هدفمندی عوام‌فریبی بوده پس چرا در قوانین مختلف کشور مانند برنامه‌های توسعه این موضوع مطرح شده است؟ آیا اصلاح قیمت‌ها یا به قول منتقدان، کران کردن قیمت‌ها مصداق پوپولیسم است یا به تعویق انداختن آن به رغم وجود قانون و منطق علمی؟

من معتقدم دولتی که با مردم سخن گفته و به آنها می‌گوید، قیمتی که شما برای سوخت، آب و... می‌پردازید یک قیمت کاذب است و باید برای تخصیص درست و بهینه منابع اصلاح شود. این دولت نه تنها پوپولیسم به معنای عوام‌فریب نیست بلکه به مفهوم واقعی به دنبال افزایش آگاهی‌های عمومی است.

البته ممکن است شما بگویید پوپولیسم به معنی داشتن دغدغه نسبت به معیشت مردم است. بله دولت‌های نهم و دهم دغدغه معیشت مردم را داشتند همین دلیل ضمن اینکه شجاعانه، کارشناسانه و مسئولانه به دنبال شفاف‌سازی قیمت انرژی بود تا اصلاحات را روی قیمت انرژی انجام دهد، در عین حال به دنبال این بود که بازتوزیع هم صورت بگیرد. خب دولت آقای احمدی‌نژاد در عین حال برخلاف نسخه‌های لیبرالی، به دنبال حذف یارانه‌ها نبود، بلکه به دنبال اصلاح برنامه‌های حمایتی، اصلاح قیمت‌ها و بازتوزیع منابع حاصل از آن که همان هدفمندی یارانه‌ها است، بود. لذا من معتقدم عملکرد دولت احمدی‌نژاد وجود نداشت و تنها با استفاده از یکسری الفاظ کلی خواستند برنامه‌هایی را که به دنبال معیشت مردم بود تخطئه کنند. در مثالی دیگر منتقدان دولت آقای احمدی‌نژاد، طرح مسکن مهر را یک طرح پوپولیستی می‌دانستند. اگر مفهوم پوپولیسم خانه‌دار کردن مردم و داشتن گرایش مردمی باشد